



جهان اسلام و رسانه های جهانی

پدیدآورنده (ها) : مولانا، سید حمید

میان رشته ای :: نشریه کیهان فرهنگی :: تیر ۱۳۸۱ - شماره ۱۸۹

صفحات : از ۳۶ تا ۴۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/19350>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۵/۰۲/۲۵

کاربر گرامی،فایل دانلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

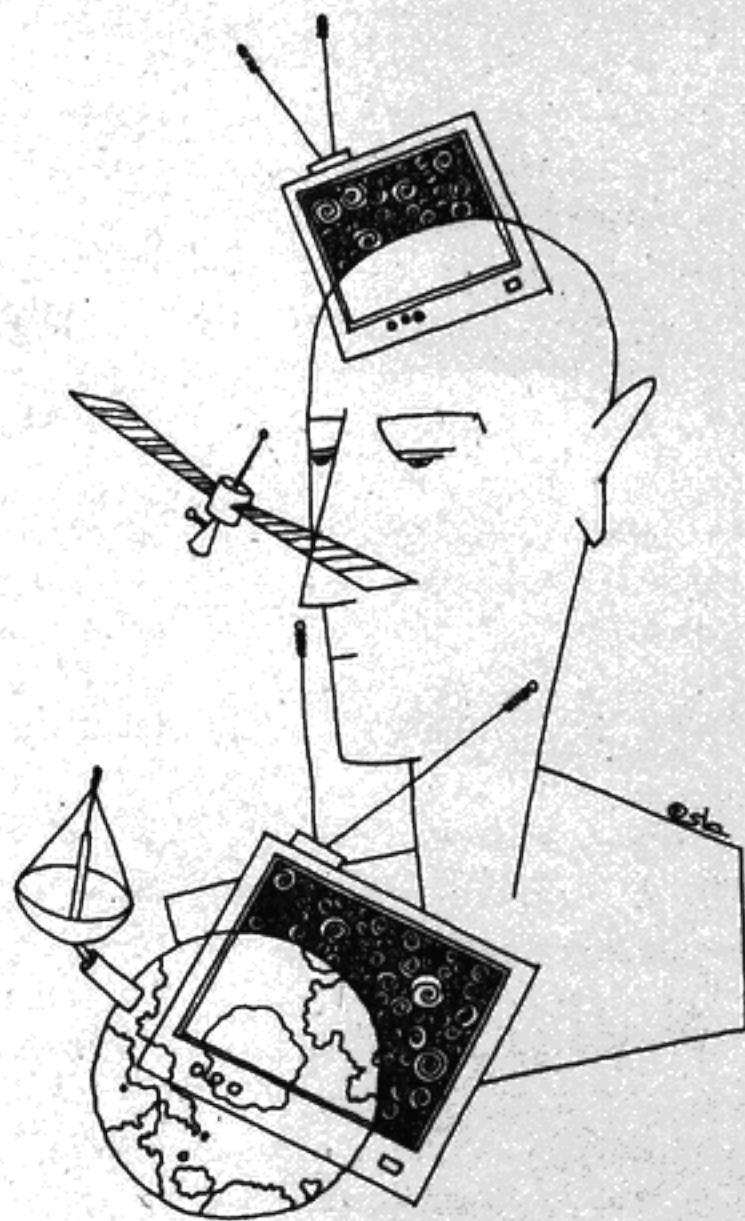


- بودن یا نبودن هنوز مسأله است
- بررسی ضرورت بازتعریف منافع ملی در عصر دیپلماسی رسانه ای
- "پایه داری" وجه مغفول رویکرد "معماری پایدار" در نسبت با طبیعت
- گزارش نحوه مواجهه جهان غرب با آسیبهای اجتماعی
- بنیان‌های نظری سبک زندگی در اندیشه پی‌یر بوردیو با رویکرد انتقادی
- شبکه های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ ترین جامعه مجازی ایرانیان
- بهینه سازی جداره های ساختمان مدرسه در جهت دستیابی به معماری پایدار مدارس نمونه موردی شهر شیراز
- بهینه سازی مصرف انرژی در ساختمان های مسکونی اقلیم سرد(نمونه موردی: شهر اردبیل)
- تحلیل عملکرد حرارتی- رطوبتی پوسته ساختمان با دو روش پایدار و ناپایدار
- مجلس سوم و گزارش های پلیس مخفی از شایعات تهران
- درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پی‌یر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی
- بررسی آیکون های مطلوب و نامطلوب بخش جستجوی نرم افزارهای جامع یکپارچه کتابخانه دیجیتال آذرسا، سیمرغ و نیکا از نظر سطح آشنایی و معناداری آنها

عناوین مشابه

- جهانی شدن و کشورهای جهان اسلام بسترهای هم گرایی ها و زمینه های واگرایی ها
- نقش رسانه ها در معرفی اسلام و دیدگاه های جهانی
- تنوع فرهنگی جهان اسلام و چالش های موجود در عصر جهانی شدن
- جهانی شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامی (نگاهی به فرصت ها و تهدیدهای پیش روی جهان اسلام در فرایند جهانی شدن رسانه ها)
- تصویرسازی منفی رسانه های غرب از جهان اسلام و ملل شرق (خود و دیگری در متون و رسانه های غرب)
- رسانه های جهان در پوشش مرئی و نامرئی صهیونیسم (صهیونیسم چگونه بر رسانه های جهانی سیطره یافت)
- جهانی شدن، جهان اسلام و سیاست های جهانی
- جهان اسلام: به سوی انقلاب جهانی انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر جنبش های اسلامی
- رسانه های جهان گستر و روابط بین الملل؛ نگاهی به جهانی شدن و نقش رسانه های مدرن در عرصه سیاست خارجی
- تاثیر جلوه های اجتماعی و فکری قیام عاشورا و جهان اسلام

جهان اسلام و رسانه‌های جهانی



حمید مولانا



شوروی این است که علاوه بر آن که بیشتر اختلاف ژئوپلیتیکی در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، برخی از مباحث پراهمیت تر فرهنگی نیز در ممالک اسلامی، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی و همین طور آسیای میانه تمرکز یافته است.

اطلاعات و ارتباطات، اجزای اصلی روند جاری موسوم به جهانی شدن هستند. کشورهای عمده صنعتی، تلاش‌های پیگیری جهت ایجاد زیر ساخت‌های جدید اطلاعاتی جهانی (GII)^(۱) به منظور تحکیم پایه‌های ساختار جدید اقتصادی-سیاسی ایجاد شده با سقوط اتحاد شوروی و استفاده هر چه بیشتر از فرصت‌ها جهت جهانی شدن در قرن جدید، صورت می‌دهند.

توسعه مزبور به همراه برخاستن موج اعتراضات و اغتشاشات فرهنگی و اجتماعی در برخی مناطق و کشورها، باعث احیای بحث نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات در دهه ۷۰ شده است، منتها به شکلی کاملاً متفاوت ولی عمیق تر. طرح دوباره بحث رسانه‌های جهانی و آثار آن در ارتباط میان غرب و جهان اسلام، با ملاحظه نکات ذیل بهتر می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

۱- نیاز به نظم نوین فرهنگی جهانی در دو دهه

آشفته‌گی‌های اخیر در برخی کشورهای اسلامی - از ترکیه تا الجزایر و بوسنی - نه تنها مسأله مشارکت سیاسی و بحث اشاعه ارزش‌ها را پیش می‌کشد، بلکه تا حدود زیادی موضوعات مربوط به دسترسی به اطلاعات و حق ایجاد ارتباط را نیز در بر می‌گیرد. ابهامات موجود در نحوه برخورد با مسایلی نظیر سکولاریسم، قومیت، ثبات منطقه‌ای و مشارکت دموکراتیک در کشورهای اسلامی، همگی ریشه در ماهیت ارتباط اجتماعی دارند که واجد ابعاد داخلی و خارجی (درونی و بیرونی) است. واکنش نخبگان نظامی و غیر نظامی ترکیه در ممنوع کردن فعالیت احزاب سیاسی اسلام‌گرا در پی استفاده آنها از تلویزیون و رسانه‌های الکترونیکی در جهت نشر اندیشه‌های اسلامی و کار غیر ممکن احیای هزاران نسخ تاریخی آسیب دیده در بوسنی، دو گواه روشن بر نقش محوری اطلاعات در سیاست‌های بین‌المللی و رشد بحث‌های ناظر به ارتباطات و فرهنگ اند.

بحثی که از زمان پایان جنگ ایدئولوژیک میان دو ابر قدرت از اهمیت خاصی برخوردار شده است.

یکی از شاخصه‌های دوران پس از فروپاشی

آنچه در پی می‌آید مقاله‌ای است تحت عنوان «احیای بحث جهانی رسانه‌ها و تأثیر آن در رابطه غرب با دنیای اسلام» به قلم پرفسور مولانا که آن را در ژوئیه ۱۹۸۹ به کنگره جهانی انجمن بین‌المللی پژوهشی در علوم ارتباطات و رسانه‌ها، ارائه کرده است.

به اعتقاد وی از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حرکت‌های اسلامی، حرکتی جهانی شده است ولی زبان فرهنگ‌های جهانی معاصر، نسخه زبان فرهنگ غرب است. حاکمیت سیاسی مستقیم غرب اعم از کاپیتالیست و سوسیالیست ممکن است خاتمه یافته باشد، اما عقایدشان هنوز حاکمیت دارد. اینجاست که دنیای اسلام باید از سویی وارد نظم بین‌المللی اطلاعات، ارتباطات، ارتباطات و فرهنگ شود و از دیگر سو مسحور سلطه آن شود.

اخیر موجب توسعه‌های سیاسی و اجتماعی در دنیای اسلام شده است. این گفتمان جدید، نقطه ثابت تعارض میان غرب و دنیای اسلام در طی بیست سال اخیر، مفاهیم اطلاعات و ارتباطات را نسبت به مفاهیم عام‌تر فرهنگ، در درجه دوم اهمیت قرار داده است.

۲- شدت بحث‌ها در نظم فرهنگی کنونی میان دنیای اسلام و غرب، نتیجه پس زدن فرهنگ اسلامی به وسیله رسانه‌ها و مؤسسات فرهنگی غرب است. این به حاشیه رانده شدن، ریشه در نبود مباحث اسلامی در بحث‌های عمده رسانه‌ها در دهه ۷۰ دارد که به وسیله سازمان ملل، یونسکو و سازمان‌های دیگر بین‌المللی انجام می‌پذیرفت. ۳- با سقوط اتحاد شوروی و وارد شدن تدریجی کشورهای سوسیالیستی به جرگه دول سرمایه‌داری موجود، به نظر می‌رسد حرکت‌های اسلامی تنها به نیروی مقاوم در برابر تفکر نو سازی غربی و توسعه اقتصادی-سیاسی تحت لوای جهانی شدن باشد.

۴- تعصبات دیرپای تاریخی، مذهبی و زبانی همواره بر فهم دنیای غرب از اسلام تأثیر داشته است. شرق‌گرایی با همه کاستی‌ها و ویژگی‌هایش از یک طرف و فقدان همه جانبه یک شناخت کلی از ممالک و تمدن‌های اسلامی از طرف دیگر، پوشش رویدادهای مربوط به دنیای اسلام را شکل داده است و به نظر می‌رسد این موضوع همچنان مانع عمده در راه هرگونه گفتگوی معنادار در آینده باشد.

اسلام و غرب: گفتگوی خاموش

مدت‌ها پیش از عمومی شدن اصطلاحات «امپریالیسم رسانه‌ای» و «سلطه فرهنگی»، بسیاری از رهبران اسلامی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به سیاست فرهنگی استعماری اروپا اعتراض می‌کردند و به اصطلاح «تجاوز فرهنگی» عمومیت بخشیدند. احساسات و اندیشه‌های نهفته در اصطلاحات مزبور در گفتمان غربی ظاهر نشده است. اما در دنیای اسلام، به عنوان بخشی از واکنش‌های عمده مخالف در برابر سلطه اروپا، تاریخی طولانی دارد. این سلطه در هیچ کجا بهتر از آثار «لرد کرومر» (پیش از این «اولین بارینگ») در خصوص سیاست بریتانیا در مصر تبیین نشده است. «کرومر» که ابداع‌گر امپریالیسم بریتانیا در دنیای غرب به مدت بیست سال، از سال ۱۸۸۳ تا ۱۹۰۷ بوده است، شاید یکی از اولین کسانی بود که فکر مداخله سیاسی غیرمستقیم از طریق فرهنگ را مطرح کرد.

وی در کتاب مصر نوین، تشریح می‌کند که، این بی‌معناست که مصر را صرفاً به عنوان یک ناظر دست و پا بسته فرض کنیم و در عین حال در این میان دولتی واپس‌گرا و صرفاً مبتنی بر اصول محمدی و اندیشه‌های مطلقاً شرقی در مصر استقرار

* شدت بحث‌ها در نظم فرهنگی کنونی میان دنیای اسلام و غرب، نتیجه پس زدن فرهنگ اسلامی به وسیله رسانه‌ها و مؤسسات فرهنگی غرب است.

یابد. (بارینگ: ۱۹۰۸، ۵۶۵) هر چند «لرد کرومر» در ابتدا از کناره‌گیری در اعمال نفوذ در مصر توسط بریتانیا حمایت می‌کند، اما به تدریج بر مبنای سه عامل اساسی، در امکان خود گردان بودن مصر شک می‌آورد: عدم احتمال این که قدرت‌های دیگر اروپایی صبورانه به تاسیس دولت جوان مصر بپردازند که در عین حال با مشکلات گریزناپذیر ناشی از رهبری بی‌تجربه، رهبریت روشنفکری رشد نیافته ناشی از سلطه درازمدت بریتانیا و مهمتر از همه آنچه را که وی عدم صلاحیت ذاتی و فساد مردم مصر تعبیر می‌کند، مواجه است. هر چند وی می‌پذیرد که بسیاری از مشکلات مصر، ریشه در نفوذ اروپا دارد و این که مصر همه ملزومات فرهنگ اروپایی را با برخی از بدترین جنبه‌هایش و نه بسیاری از بهترین آنها تحصیل کرده است. [اما] تاکید می‌کند که راه حل، همان حضور مستمر بریتانیاست و این که «نسل جوان مصری باید اقناع یا وادار به جذب روح صحیح فرهنگ غربی شود» (بارینگ، ۱۹۰۸، ۵۳۸) هر چند مداخله اروپا، مصر را در خود گردان بودن ناکام کرده است. [اما] «لرد کرومر» اظهار می‌دارد که مداخله شدید تنها راه اجتناب از سقوط در ورطه هرج و مرج و بربریت است و چهره دوری گزیدن انگلستان از مداخله در مصر را به منطقه آتش گرفته‌ای تشبیه می‌کند که بی‌هیچ عکس‌العملی، خانه‌ای در آن در حال سوختن است. (بارینگ: ۱۹۰۸، ۵۶۶).

طرح‌ها و طرز تلقی‌های مستور در اظهاراتی نظیر گفته‌های «لرد کرومر» با موج عظیم اعتراض و عکس‌العمل‌های شدید از جانب رهبران اسلامی در مصر و نقاط دیگر و به ویژه از جانب علما (رهبران مذهبی) نجف و شهرهای دیگر مذهبی مواجه شده است. مطالعه اجمالی نوشته‌های رهبران مذهبی و سیاسی و اصلاح‌گران دنیای اسلام در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، حکایت از نگرانی و اضطرابی دارد که رهبران مزبور از نفوذ فرهنگ غربی از طریق رسانه‌های جمعی مدرن دارند. کارهای سید جمال‌الدین افغانی [اسدآبادی] و شیخ فضل‌الله نوری در ایران طی انقلاب قانون اساسی ۱۹۰۶، نوشته‌های سید ابوالعلا مودودی در پاکستان در نیمی از جهان اسلام، رسالات سید قطب در باب نفوذ فرهنگ غرب در مصر، نوشته‌های سید موسی صدر در لبنان در تحلیل مبانی اقتصاد و فرهنگ در اسلام، بحث‌های نقادانه اسماعیل وجی الفاروقی فلسطینی در مسیحیت، اسلام و فرهنگ غربی، پیام‌های نافذ و انقلابی آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره) در باب رستاخیز و تجدید حیات اسلام، مقالات و نوشته‌های اخیر محققان و متفکرانی همچون مرتضی مطهری، علی شریعتی و جلال آل احمد از نادر نوشته‌هایی هستند که به تجزیه و تحلیل عالمانه و سیاسی رسانه‌های غربی و سلطه فرهنگی پرداخته‌اند (افغانی، ۱۹۴۲، آل احمد ۱۹۸۲، فاروقی، ۱۹۸۰، فاروقی ۱۹۸۰، شیخ کرکی، ۱۸۸۳، امام خمینی (ره)، ۱۹۸۱، موصلی، ۱۹۹۲، مودودی، ۱۹۸۴، مطهری، ۱۹۶۴، قطب، ۱۹۸۸، قطب و قطب، ۱۹۷۴، صدر، ۱۹۸۲، شریعتی ۱۹۸۰).

گزینش رسانه‌های غربی و به تصویر کشیدن جنگ خلیج فارس، بوسنی، جنگ عراق علیه ایران و اختلاف اعراب و اسرائیل به عنوان منابع عمده خبری، نمونه‌های بارزی از تعصبات غرب در مقابل حاکمیت اسلام است. تبلیغات سوء علیه نهضت‌های اسلامی در سراسر دنیا به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تحت لوای شعار «اصول‌گرایی»، «جنگ طلبی»، «تروریسم» در ذهنیت بخشیدن به افکار عمومی غرب و به ویژه ایالات متحده و اروپا موثر بوده است. بحث جایگزین شدن اسلام به جای کمونیسم (ضد سامی‌گرایی) تحت عنوان «اصول‌گرایی اسلامی» در محافل سیاسی غرب رشد کرده است. در اروپا، سیاست‌های ضداسلامی (نظیر ضدسامی‌گرایی)، وجه تام و تمام احیای نژاد پرستی و ناسیونالیسم جدید دهه ۸۰ گردیده است.

به عنوان مثال، جنگ خلیج فارس به عنوان برخورد جهانی میان انسانیت و حیوانیت، جنگ میان تمدن و بربریت جلوه داده می‌شود. در یوگسلاوی سابق، اصطلاح «جنگجویان

آزاد» که مورد سوءاستفاده حکومت ریگان و بوش بوده، در مورد مسلمانان بوسنی به کار نمی‌رفته است. در عوض از آنها به عنوان «مسلمانان» یا «مهاجرین» نام برده می‌شود. همان‌گونه که من در جای دیگری گفته‌ام، از آغاز جنگ بوسنی، مسلمانانی که در بوسنی و هرزگوین زندگی می‌کنند، تحت عنوان «قوم گرایان اسلامی» شناخته می‌شوند که از مذهب و عقیده به عنوان طبقه نژادی استفاده می‌کنند که قبلاً سابقه نداشته است (مولانا، ۱۹۹۴، ۳۷۷). در واقع، اسلام به عنوان یک عقیده مخالف هرگونه قوم‌گرایی، قبیله‌گرایی، نژادپرستی و ملی‌گرایی است. از اسلام به وسیله رسانه‌ها و حکومت‌ها و همین‌طور سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یک طبقه نژادی (قومی) در مقابل «صرب» و «کروات» یاد می‌شود که یکی از گمراه‌کننده‌ترین تبلیغات بین‌المللی در طی قتل عام بوسنیایی‌ها بوده است.

نتیجه این می‌شود که بوسنیایی‌ها مخالف تجزیه سرزمینی که جزء مسلمانان بودند، به عنوان یک گروه دیگر قومی در برابر صرب‌ها و کروات‌ها تلقی می‌شوند. اگر غرب مانع از این برچسب‌زدن‌های ناروا می‌شد، تجاوز علیه مسلمانان بوسنی می‌توانست به نحو شایسته‌ای شناخته شود و به عنوان آزار مذهبی تلقی گردد و مسلمانان واقعا به عنوان بوسنیایی‌هایی که برای حفظ چندگونگی فرهنگی و استقلال بوسنی مبارزه می‌کنند، شناسانده شوند (مولانا، ۱۹۹۴).

موانع غرب در شناخت اسلام

در وخامت درگیری فیزیکی میان صرب‌ها و بوسنیایی‌ها، یک اختلاف اساسی در دیدگاه‌ها وجود دارد که به ندرت به وسیله گزارشگران غربی درک می‌شود یا حتی حس می‌شود. ناسیونالیسم صرب به شدت مخالف اشتراکیتی است که مسلمانان با آن زندگی می‌کنند (مولانا، ۱۹۹۴). این جنبه از تفکر اسلامی - اشتراک‌گرایی - به ندرت از جانب رسانه‌های غربی تحت پوشش قرار می‌گیرد یا اصلاً فهمیده می‌شود. تاریخ مذهبی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی برخی کشورهای اسلامی می‌تواند زمینه مناسب‌تری برای ائتلاف و بسیج بالقوه آنها باشد تا موضوع فقر، که کشورهای آفریقایی و آمریکایی لاتین را به هم پیوند می‌دهد که خود عامل اختلاف است. مفهوم دولت در کشورهای اسلامی در مقایسه با کشورهای غربی، از لحاظ مفهومی اساساً متفاوت از ارتباط واحدهای حکومتی و جامعه را به ذهن متبادر می‌کند، بحران مشروعیت سیاسی در دنیای اسلام، از جانب بسیاری از نویسندگان و تحلیل‌گران رسانه‌ای به دلیل تأکید آنها بر تجزیه و تحلیل نهادهای شکلی، سکولار و سیاسی، به عنوان دولت، احزاب سیاسی، نهادهای بروکراتیک و پارلمان‌گرایی مدرن و زیرساخت‌های

*گزینش رسانه‌های غربی و به

تصویر کشیدن جنگ

خلیج فارس، بوسنی، جنگ عراق

علیه ایران و اختلاف اعراب و

اسرائیل به عنوان منابع عمده

خبری، نمونه‌های بارزی از

تعصبات غرب در مقابل حاکمیت

اسلام است.

حکومتی، به فراموشی سپرده می‌شود. مخالفت سرسختانه با دولت - ملت‌های مدرنی نظیر ایران، ترکیه و مصر و کشورهای دیگر از نیروهای هواخواه اسلام سیاسی نشأت می‌گیرد و این یعنی این که سیاست‌های مدرن در حل نیازهای معنوی و مادی این جوامع ناکام بوده است. هم‌شاه و هم‌رهبران سابق مصر، اگر نه هیچ حداقل خیلی اندک باروند تاریخی توسعه سیاسی در خاورمیانه همخوان بوده‌اند و رهبران جاه‌طلب آنها مدرنیسم نوین را در راستای خطوط غربی آن به عنوان تنها راه حل ممکن تلقی می‌کردند.

تصور رسانه‌ها به دلیل آن که ماهیت سیاست به واسطه آن چیزهایی که گزارش می‌کنند آشکار نمی‌شود، مخدوش شده است. نتیجه، استحاله تصورات متباین هم در درون و هم در خارج از خاورمیانه است. برای فهم زمینه تصورات ساخته شده در رسانه‌ها و بحران مشروعیت سیاسی در کشورهای اسلامی، به ویژه در خاورمیانه، ابتدا باید به فهم مفاهیم اسلامی دولت و اجتماع، ناسیونالیسم به عنوان نماد دولت - ملت‌های مدرن و روند سلطه و اقتدار تحمیل شده به وسیله قدرت‌های بزرگ در دوران استعمار و پس از جنگ پرداخت (مولانا، ۹۶)، تنها تعداد اندکی از محققان، رهبران سیاسی یا روزنامه‌نگاران غربی با مفاهیم اسلامی مجامعه‌آشنایی دارند و از این رو در ارزیابی صحیح رویدادهای سیاسی‌ای که در آن

اسلام سهمی برعهده دارد، ناتوانند.

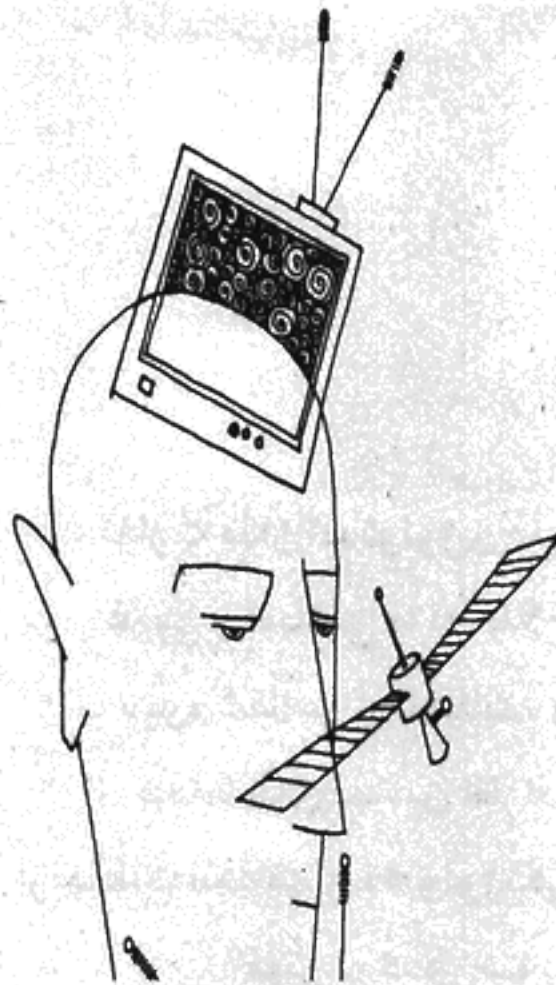
ابزارهای انتشار پیام‌ها در کشورهای اسلامی به کلی متفاوت از کشورهای غربی است. کنترل قدرت سیاسی در بیشتر کشورهای اسلامی، متضمن کنترل و نظارت بر مجراهای سنتی ارتباطات نیز هست و این بدان معناست که قدرت مراجع سنتی تشخیص‌دهنده مشروطیت رسانه‌ها می‌باشد و نه هیچ مرجع دیگری.

به عنوان مثال، امام خمینی (ره) رهبر مذهبی ایران اسلامی، پس از اقامتش در حومه پاریس، در براندازی طولانی مدت دولت استبدادی غربی‌گرا و سکولار ایران، از ارتباطات الکترونیکی و نوار کاست در به هم پیوند دادن شبکه‌های ارتباطی مساجد و بازار استفاده کرد. استراتژی استفاده از بازارها و مساجد برای ارتباطات جمعی که از جانب بسیاری از انقلابیون مسلمان به کار گرفته می‌شود، نهادهای سنتی مذهبی را به عنوان منبع نیرومند ارتباطات جمعی در دنیای جدید در نظر می‌گیرد. اما رسانه‌ها تصورات موجود در دنیای بینندگان غربی را انعکاس می‌دهند و در ارائه و تحلیل بعدی خود رویدادهای اسلامی را ضمن تأکید بر برنامه‌های کاری ایدئولوژیکی دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد، در قالب معیارهای سکولاریسم و رسانه‌های جمعی الکترونیکی می‌سنجند. عمومیت یافتن فرآورده‌های غربی - خواه کوکاکولا، پیتزا یا برنامه‌های تلویزیونی - این برداشت را تقویت می‌کند که دیدگاه‌های غربی همگانی شده و ارزش‌ها، برداشت‌ها و اخلاقیات دنیای اسلام مهجور مانده است. هدایت‌کنندگان افکار عمومی غرب این فکر را به سرعت پذیرفته و تبلیغ می‌کنند که همگانی شدن این محصولات به معنای موفقیت الگوی غربی است و در نتیجه ساختار اساسی جوامع اسلامی همچنان در پرده غفلت باقی می‌ماند.

نظم نوین جهانی ارتباطات و اطلاعات و اسلام مختصر این که «global»^(۱) همان «Universal»^(۲) نیست و «global Communication» به معنای «Universal Communication» نمی‌باشد. هرچند انتشار اطلاعات جهانی شده است، ولی انتشاردهندگان اندکند و اگرچه ما به پذیرش جهانی نزدیکیم ولی هنوز با ایده آل ارتباطات جهانی^(۳) فاصله داریم. در نظر بیشتر افراد مردم، تنها تأثیر جهانی شدن این است که آنها فرصت می‌یابند که در هر کجای جهان که باشند از برنامه‌های باسلاقی محدود استفاده کنند. به عنوان نمونه، در این نظم نوین، کشورهای در حال توسعه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، هیچ نقشی جز خوشامدگویی به استیلای دنیاگرایی تجاری به عنوان یک عمل انجام شده^(۴) ندارند. نقش محروم‌مندگان در این شکل نظم جهانی، تنها به عنوان تماشاگرانی خاموش است که منتظر هر آن

چیزی می مانند که به آنها منعکس می شود. چاره کار در مقابل این استعمار جدید، یک فراخوان عمومی برای یک نظم جدید جهانی توسط ملل محروم مانده و نامتجانس است که به عنوان ناظران منفعل قلمداد شده اند.

نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (NWICO) و اسلام در دهه ۷۰، طرح بحث نظم نوین اقتصادی بین المللی (NIEO) و نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (NWICO)، نشانه وجود بحث های بین المللی در سازمان ملل و سازمان های تخصصی آن و همین طور میان سازمان های غیردولتی (NGOS) فعال در زمینه های اقتصادی و رسانه هاست. پیشگامان و مبدعان اصلی بحث مزبور اعضای نهضت غیرمتعهدها شامل بیشتر دول در حال توسعه و بسیاری از روشنفکران بودند. گروه های مزبور سهم عادلانه تری از منابع اقتصادی و ارتباطاتی جهان را طلب می کردند و به ویژه خواهان همگانی شدن هرچه بیشتر رسانه ها و دسترسی عادلانه تر بسیاری از صداها^۱ی جهان به آن بودند که از عدم توازن اساسی در جریان اطلاعات شمال-جنوب و رشد شکاف میان غنی و فقیر ناشی می شد. کشورهای غیر غربی و دول کمتر توسعه یافته، از سلطه رادیو، تلویزیون، فیلم و ارتباطات ماهواره ای غرب بی زاری می جستند. توزیع عادلانه تر فرکانس های رادیویی محدود جهانی، نرخ های پستی بین المللی اندک برای مجلات، کتاب ها و روزنامه ها، تعرفه های ترجیحی ارتباطات از راه دور، مقررات کمتر محدود حق طبع و نشر، حمایت در مقابل هجوم مستقیم احتمالی برنامه های ماهواره ای و رد این طرز تلقی که رسانه ها محصولاتی تجاری اند و نه ابزارهای توسعه. از خواسته های این دسته از کشورها بود. خواسته های مزبور، ابرقدرت های رقیب جنگ سرد و مخالفت دامن گستر (همه جانبه) صنایع اطلاعاتی و رسانه ای تجاری و خصوصی را که همگی به وضع موجود خو گرفته بودند تکان داد (مولانا ۱۹۹۳) می توان از طرح اولیه بحث نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (NWICO) درس های زیادی آموخت. اول این که طرح این موضوع عکس العمل طبیعی بازیگران اصلی سیاسی و اقتصادی جهان را در مقابل هرگونه تغییر اساسی در نظم جهانی، چنانچه موجب تهدید سلطه آنها بر منابع حیاتی جهان شود، آشکار ساخت. دوم این که، دلایل صرفا ملی ایجاد یک نظم نوین جهانی- در طی دهه ۷۰ و ۸۰- در دوران افزایش وابستگی های متقابل جهانی کافی به نظر نمی رسد. هر چند اصلاحات اساسی، باید از سطح ملی و با یک سیاست ارتباطی جامع آغاز شود. سوم این که، بسیج و مشارکت سازمان های غیر دولتی، افراد و گروه های دیگری که سازنده اجتماع (جامعه) مدنی اند، در توانایی رویارویی با



واقعیات موجود در تعاملات پیچیده جهانی هرگونه نظم جهانی دارای مشروعیت، امری حیاتی است. بحث های اولیه نظم نوین اطلاعات و ارتباطات جهانی به طور عمده به موضوع قالب ها و زیر ساخت ها تمرکز یافته بود. تاکید بر ابعاد سیاسی و اقتصادی، مانع ملاحظات فرهنگی در عرصه مباحث مزبور بوده است. بعد از گزارش موسوم به «مکبرایب رپورت» که ظاهرا در اوایل دهه ۸۰ فوت شده است. بحث های تازه ای در باب ماهیت زیر ساخت های ارتباطات جهانی مطرح شد. اما این بار گفتگوها منحصر در کشورهای جهان اول و علی الخصوص حول محور چگونگی تاثیر نهادن زیر ساخت ها و اصلاح قابلیت های تجاری آن به وقوع پیوست. این بحث دومین بار پس از وقوع انقلاب ایران روی داد. هنگامی که موضوعات فرهنگی اهمیت بیشتری از زیر ساخت ها پیدا کردند و «فرهنگ دنیای جدید» محور بحث ها شد. در این دوره، بحث های کم دامنه دارتری نیز توسط محققان اسلامی و رهبران دینی به راه افتاده بود. موضوعات مطرح شده از جانب اندیشمندان مزبور، بیشتر در ارتباط با هجوم ایدئولوژی های اروپایی به فرهنگ اسلامی بود. موضوعی که بعدا مطرح شد این بود که چرا بحث اولیه NWICO، ابعاد اسلامی و دیگر ابعاد فرهنگی پریشانی ارتباطات جهانی را مورد ملاحظه قرار نداده است.

در پاسخ به این سوال باید چند عامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی لحاظ شود:

۱- عوامل و عناصر NWICO در دنیای اسلام تا ظهور انقلاب ایران، حضور پر قدرتی در سطح ملی نداشتند. از این رو آنها در آژانس های بین الدولی حرف زیادی برای گفتن نداشتند. حکومت های نماینده ممالک اسلامی، سعی در ایجاد توازن به نفع اسلام بر اساس منافع اقتصادی و سیاسی داشتند و نه فرهنگی.

۲- تقریبا کلیه نخبگان و حکومت های حاکم در کشورهای اسلامی، در جهت گیری های فرهنگی شان، صرف نظر از صف آرایی های سیاسی شان، سکولار یا غربگرا بودند. حلقه کوچک، قدرتمند و غربگرای نخبگان، نماینده اکثریت کشورشان نبودند. بلکه بازگو کننده تسلط نفوذ قدرت های خارجی بر کشورشان بودند.

۴- در بحث NWICO^(۲)، به ویژه مباحث مربوط به جهان اسلام، سازمان های غیر دولتی به اندازه کافی فعال نبودند. سازمان های غیر دولتی در کشورهای اسلامی به دلیل عدم آشنایی آنان به نظم جهانی روز، وجود ندارند.

۵- NWICO در آغاز حرکتی است سکولار که علاقه کمی به دسته بندی های مذهبی- سیاسی نشان می دهد و هنگامی که عوامل مذهبی و سیاسی را به رسمیت می شناسد، با احتیاط عمل می کند و به طور عمد الهیات لیبرال آمریکای لاتین را در نظر دارد. با مردم صرفا به عنوان افراد آماری رفتار می شود. تنوع فرهنگ ها، تاریخ ها و تشخص ها نادیده گرفته می شود. NWICO با ذهنیتی جنگ سردی و ماتریالیستی عمل می کند.

۶- NWICO تعاریف اقتصادی، تکنولوژیکی و ساختاری ارتباطات و اطلاعات را در نظر می گیرد و موضوع فرهنگ با یک معنای وسیع تر تنها به عنوان بخشی از صنایع فرهنگی مورد بحث قرار می گیرد. زبان، فلسفه و الگوهای تفکر به فراموشی سپرده می شود یا به موضوعات محدودی در بحث صنایع فرهنگی- فیلم، تفریحات و محصولات فرهنگی- احاله داده می شود. تفاهم پنهان و آشکاری وجود دارد که ما همه نظرگاه واحدی اتخاذ کنیم و این که موضوعات ساختاری تنها موضوعات مهم هستند.

۷- نه گزارش مکبرایب و نه NWICO هیچ کدام به اندازه کافی به مسایل معنوی و اخلاقی نپرداخته اند هر چند به طور سریع آنها تحت پوشش قرار گرفتند. هیچ گاه در بحث، موضوعات مادی در مقابل مسایل معنوی قرار نگرفته است. به عنوان مثال، بخش ها و مباحث ملموس در مقابل بخش ها و مباحث ناملموس در فرهنگ های اسلامی، اصلا نمی توان بحث را بدون ربط دادن تفکر معنوی با دنیای مادی شروع کرد. موضوع اطلاعات و فرهنگ همواره بخش جدایی ناپذیر مباحث اخلاقی

بوده است.

۸- ماهیت ائتلاف به دلیل آن که اصطلاحات «غیر متعهد» و «جهان اسلام» تعریف نشده است. به درستی تعریف نمی شود. تا اواخر دهه ۸۰ یعنی هنگام حمله دنیای اول به ادعاهای جنبش غیر متعهدها در خصوص برابری که اختلاف نظرهای شدیدی را باعث گردید، دیدگاه اسلامی به عنوان یک کل شکل نگرفته بود. در دهه پایانی این قرن، زوال بحث جهان سوم و سقوط اتحاد شوروی باعث شده است که صدای اسلام، تازه ترین صدا در برابر غرب باشد.

۹- تعصبات دیرینه تاریخی، مذهبی به ویژه از سوی قدرت های استعماری غرب علیه اسلام روا داشته می شود. رهبران غرب قادر به تشخیص جنبه های مذهبی تفکر دنیای اسلام نیستند. از نظر فرهنگی و زبانی، کشورهای اسلامی از غرب جدا هستند.

۱۰- ریشه های زبانی و فرهنگی در راس مسائل قرار دارد. تعداد کمی از غربیان در بحث های NWICO برای خواندن متون اسلامی، به اندازه کافی عربی و فارسی می دانستند و تعداد خیلی به تاریخ و فرهنگ این منطقه ابراز علاقه می کردند.

کوتاه سخن این که، همانند امروز، مردم در دهه ۷۰، با دنیای اسلام، به دلیل حاکمیت الگوها و معیارهای مختلف بر آنان، آشنایی نداشتند. تاکید بر بی طرفی، تکنولوژی و «مشابهِت» (همانندی) موضوعات ارتباطاتی، تفاوت های موجود میان افراد را دو چندان کرده است. در حال حاضر اسلام تنها آلترناتیو مهم در مقابل حاکمیت سکولاریسم غربی است. اما هنوز بسیاری از آنچه را که دنیای اسلام درباره خود می آموزد از «فیلترهای» غربی گذر می کند. گویندگان و ناشرانی که مسائل اسلامی را از روزنه مفاهیم غربی می بینند.

تأثیرات پالایند پیش غربی

تأثیر فقدان درک مسئولانه از جهان اسلام به خاورمیانه محدود نمی شود. سببیت صورت گرفته در بوسنی بیش از جرایم وحشیانه دستگاه تفتیش عقاید اسپانیا نشانه بربریت برخوردار است. عوامل تفتیش عقاید دیروز تصفیه کنندگان نژادی امروز شده اند. هنوز به دلیل تبلیغات دگرگونه در طی نیم قرن و قصور رسانه های جمعی در کشورهای اسلامی برای پوشش مناطقی نظیر جمعیت مسلمان یوگسلاوی سابق، نسل های جوان و مهمتر از آن طبقه تحصیل کرده، هنوز با مشکلاتی که جمعیت های مسلمان در اروپا به آنها مواجهند آشنا نیستند. سیستم تصور جنگ سرد غربی- تصویر یک جانبه از اروپای شرقی- نه تنها غرب بلکه کشورهای اسلامی را که جمعیت آنها اطلاع کمی درباره تأثیر توسعه ها در مسلمانان آسیای مرکزی، بالکان و از جمله بوسنی دارند، تحت تأثیر قرار داده

خلیج فارس، نه تنها رسانه های بین المللی مانع از گزارش صحیح اخبار جنگ می شوند، بلکه رسانه های ایالات متحده و متحدانش به نحو بی سابقه ای در اختلافات بین المللی کنترل و نظارت می شوند (مولانا، گرینر و چیلر، ۱۹۹۲).

تأثیر برخورد ایدئولوژی های غربی و اسلامی ما برای مشاهده آثار تصورات سیاسی نادرست غرب در مورد کشورهای اسلامی، به چیزی جز وضع آشفته منطقه خاورمیانه نیاز نداریم. سیستم تحمیلی دولت-ملت مدرن با عناصر اقتدار داخلی و خارجی اش از جمله مؤسسات سیاسی و اقتصادی بنیادی، عامل عمده بحران در دنیای اسلام هست و خواهد بود.

در سطح ملی، تصمیم دولت الجزایر مبنی بر ابطال انتخابات آزادی که در آن اسلام گرایان پیروز شدند و سپس بستن پنج هزار مسجد در سال ۱۹۹۲. مجریان آزاد فرهنگ و ارتباطات در آن کشور را مسدود کرده است.

نوع غربی این شیوه منکوب کردن جریان اطلاعات در الجزایر، بستن هر روزنامه و مجله است. این سرکوبی فرهنگ، آزادی مطبوعاتی و بیان آزاد نظرات، منجر به بروز میزان زیادی تلفات انسانی شد که تا پایان سال ۱۹۹۷ م بالغ بر شصت هزار نفر بود. روابط انسانی و سیاست های بین المللی، دنیای پیچیده و ناشناخته ای به وجود آورده است؛ دنیایی که در آن انحصارات اطلاعاتی و سیاسی، غالباً بهای زیادی از توده ها به نفع اقلیت غنی اخذ می کنند.

در این میان با محو خطر کمونیسم، دولت ها و رسانه های غرب، رشد حرکت های اسلامی را به عنوان عامل تهدید و منبع عمده بحران های ملی، منطقه ای و بین المللی، جلوه می دهند. اصطلاح «بنیادگرایی اسلامی» در همه جا در اشاره به دولت ها، رهبران و سازمان هایی به کار می رود که بسیاری از پیش فرض های ایدئولوژی غربی در باب سکولاریسم و نظریات توسعه را مردود می دانند. مورد «رشدی» منافع غرب در حقوق اشخاص و نقش عمده نشریات تجاری و نیز عمق اندوه مسلمانان- که در ابراز انزاجارشان از نشر کتاب آیات شیطانی مشهود است- و به علاوه خواست دنیای اسلام برای یک نظم نوین فرهنگی جهانی را نشان می دهد.

اسلام و فرهنگ غرب در عرصه جهانی

امروزه دو نوع تفکر غیرروشن در خصوص نظم نوین جهانی ارتباطات و فرهنگ وجود دارد: یکی تفکر رسمی و عمومیت دار است که از جانب ایالات متحده و تعدادی از کشورهای اروپایی فوق العاده صنعتی، تحت لوای زیرساخت اطلاعاتی ملی (NII) (۷) و زیرساخت اطلاعاتی جهانی (CII) مطرح می شود. این زیرساخت های جدید که کماکان در حال تکمیل و اجراست، خیال

* تفاوت میان ایدئولوژی های

غربی و اسلامی با اصطلاح

«بوم شناسی ارتباطات» و

محیط های نمادین اطراف

ارتباطات انسانی و تکنولوژیکی

بهرتر درک می شود.

است. تلاش رسانه های غربی در بهره برداری از اختلافات مذهبی در یوگسلاوی باعث ارائه تصویر ناقصی از آن نشده است و در رخداد تراژیک بوسنی نقش منفی داشته است. سببیت ارتکاب یافته در بوسنی نه کوچک بوده است و نه نظری. بربریت باور نکردنی و غیر قابل تصور ارتش با هدف و ایدئولوژی ای مشخص در برابر این مردم را هیچ جامعه متمدنی نمی تواند به دیده اغماض بنگرد. حتی عکس العمل رهبران و شهروندان غیر مسلمان در برابر وحشیگری های مرتکب شده علیه مسلمانان بوسنی اغماض یا بی تفاوتی عاطفی بوده است. این که آیا این عوامل که مانع از جریان روان اطلاعات میان کشورهای اسلامی و دنیای خارج می شود، در دوران موسوم به پس از جنگ سرد، همچنان باقی می ماند یا خیر باید منتظر ماند. اگر پوشش رسانه ای جهانی امور بین المللی را مورد ملاحظه قرار دهیم. باید گفت نمی توان زیاد خوش بین بود. برای تقریباً نیمی از قرن، متصدیان رسانه های ایالات متحده و ماموران دولتی در جهان ندای آزادی مطبوعات، جریان آزاد و صحیح اطلاعات و اجتناب از سلطه دولت بر سیستم اطلاعاتی سر می دهند، اما اکنون در طی جنگ

BIBLIOGRAPHY

- al-Afghani, Jamal al-Din. 1942. *Refutation des Materialistes*, translated by Amelie-Marie Gaichow. Paris: No publisher listed.
- al-Ahmad, Jalal. 1982. *Gharbzadegi: Weststruckness*, translated by John Green and Ahmad Alizadeh. Lexington: Mazda.
- al-Ahmad, Jalal. 1984. *Occidentosis: A Plague from the West*, translated R. Campbell. Berkeley: Mizan Press.
- Baring, Evelyn. 1908. *Modern Egypt*. London: Macmillan.
- al-Faruqi, Ismail Raji. 1980. *Islam and Culture*. Kuala Lumpur: Polygraphic Press.
- al-Faruqi, Ismail Raji. 1982. *Tawhid: Its Implications for Thought and Life*, 2nd ed. Herndon: The International Institute of Islamic Thought.
- Keddie, Nikki R. 1983. *An Islamic Response to Imperialism: Political and Religious Writings of Sayyid Jamal al-Din al-Afghani*, 2nd ed. Berkeley: University of California Press.
- Khomeini, Ayatullah Ruhollah. 1981. *Islam and Revolution: Writings and Declarations of Imam Khomeini*, edited and translated by Hamid Algar. Berkeley: Mizan.
- Maussalli, Ahmad S. 1992. *Radical Islamic Fundamentalism: The Ideological and Political Discourse of Sayyid Qutb*. Beirut: no publisher listed.
- Mawdudi, Sayyid Abul A la. 1984. *The Islamic Movement: Dynamics of Values, Power, and Change*, edited by Khurram Murad. Leicester: The Islamic Foundation.
- Mowlana, Hamid. 1993. *Toward a NWICO for the Twenty-First Century?* *Journal of International Affairs*, 27: 59-72.
- Mowlana, Hamid. 1994. *Muslims and Genocide in the Balkans*. *Peace Review*, 3: 373-381.
- Mowlana, Hamid, George Gerbner, and Herbert I. Schiller (Eds.) 1992. *Triumph of the Image: The Media War in the Persian Gulf-a Global Perspective*. Boulder: Westview.
- Mowlana, Hamid. 1996. *Global Communication in Transition: The End of Diversity?* Thousand Oaks, CA: Sage.
- Mutahhari, Ayatullah Murtaza. 1964. *Fundamentals of Islamic Thought*. Berkeley: Mizan Press.
- Qutb, Sayyid. 1988. *Struggle and Ideology (in Arabic)*, Beirut: no publisher listed.
- Qutb, Sayyid, and Muhammed Ali Qutb. 1974. *The Imamen Martyr (in Arabic)*. Cairo: no publisher listed.
- Sadr, Muhammad Baqir. 1992. *Our Economy (in Arabic)*, 4 Vols. Teheran: World Organization for Islamic Services.
- Shariati, Ali. 1979. *On the Sociology of Islam*. Berkeley: Mizan.
- Shariati, Ali. 1980. *Marxism and Other Western Fallacies: An Islamic Critique*, translated by R. Campbell. Berkeley: Mizan.

پی‌نوشت

- Global Information Infrastructure (GII)
- Global
- Universal
- Global Communication
- Fait accompli
- New World Information and Communication Order (NWICO)
- National Information Infrastructure (NII)

از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حرکت‌های اسلامی، حرکتی جهانی شده است، ولی زبان فرهنگ‌های جهانی معاصر، نسخه زبان فرهنگ غرب است. حاکمیت سیاسی مستقیم غرب - اعم از کاپیتالیست و سوسیالیست - ممکن است خاتمه یافته باشد، اما عقایدشان هنوز حاکمیت دارد. اینجاست که دنیای اسلام باید وارد نظم بین‌المللی اطلاعات، ارتباطات و فرهنگ شود و در عین حال مسحور سلطه آن نشود. از طریق زیرساخت‌های اطلاعاتی موجود و طرح جدید موسوم به بزرگراه‌های اطلاعاتی یا نظم جهانی ارتباطات، غرب بر زبان زیرساخت‌های اطلاعات و تعریف موضوعات سلطه دارد. نحوه تعریف موضوع، زبان و شناخت است که تعیین‌کننده نتایج بحث است. خواست یک دیدگاه جدید نسبت به جامعه، رهبریت و فرهنگ که در کشورهای اسلامی به وجود آمده است، ناشی از تغییرات عمده و شگرفی است که در بوم‌شناسی ارتباطات منطقه به وجود آمده است. عناصر و اجزای این تغییر شامل عدم تفکیک‌پذیری سیاست، فرهنگ و ارتباطات در اخلاقیات اسلامی، بروز تنش‌های سیاسی - فرهنگی در ممالک مختلف اسلامی و زوال تدریجی رژیم‌های سلطنتی، نظامی و سکولار، عدم کارایی ناسیونالیسم در پاسخ به مشکلات و مسایل موجود و وابستگی هر چه بیشتر به نیروهای خارجی در همه جنبه‌های زندگی تکنولوژیکی مدرن است. هجوم اطلاعات و طرح مفهوم جامع مدنی در دنیای اسلام، بسیاری از سنت‌های شفاهی و مکتوبی که در مقابل آن قد علم می‌کردند را به نابودی کشانده است. هر چند تجدید حیات جامعه اسلامی اکنون در حال وقوع است، اما پرسش‌ها در باب ماهیت اخلاقی جامعه جهانی جدید و جایگاه اسلام در آن همچنان باقی است. در اسلام اطلاعات به طور سنتی یک ضرورت اخلاقی است و نه یک کالا. اما الگوهای عقل‌گرایی مدرن علی‌الظاهر بر آن است که تجربه حرفه‌ای را جایگزین مسئولیت فردی کند. در باب فردگرایی ملازم با مدل‌های بیشتر سبیریتیکی غرب سؤالاتی مطرح است. بحث بر سر نیاز به یک قانون اخلاقی جدید برای کنترل و تغییر و تحولات اجتماعی در تحت ساختار جدید هنوز باقی است و به نظر می‌رسد در واژگان سیاسی عصر نوظهور ارتباطات به آن پرداخته شود. زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی کنونی که در حال طراحی و تکمیل شدن است، بی‌هیچ روپایان NWICO جدید نیست. تکمیل تدریجی «بزرگراه‌های اطلاعاتی» تنها فعل و انفعالات و تأثیرات متقابل بی‌سابقه تکنولوژی و ایدئولوژی را آشکار می‌سازد و مطمئناً ما را به دور سوم بحث NWICO راهبر خواهد شد. دوره‌ای که در آن ارتباطات به عنوان بوم‌شناسی فرهنگی شناخته می‌شود.

یک اقتصاد بازار نامحدود همراه با جهانی شدن اطلاعات به وسیله شرکت‌های فراملی عمده غربی و ائتلافات سیاسی و نظامی مرکب از گروهی از کشورها که توانایی‌شان را در جهت حمایت از دیگران به کار می‌بردند در سر می‌پروراند. دومی که رسمیت و عمومیت ندارد. ناامیدانه در جهت تغییر نظم نوین فرهنگی و دسترسی هر چه بیشتر اطلاعات به وسیله گروه‌ها، ملل و شهروندان عقب‌مانده تلاش می‌کند. ولی باید گفت آنهایی که خواستار تغییر نظم نوین هستند، اغلب فاقد منابع و توانایی‌های لازم جهت رویارویی با کشورهای قدرتمند می‌باشند. در عوض تلاش‌هایشان به وسیله آنچه را که نظم مسلط کشورهای غربی می‌خوانند و به وسیله ارتباطات از راه دور جهانی و اختلاط رسانه‌ها با یکدیگر هدایت می‌شود، عقیم می‌ماند. هر چند بحث NWICO در دهه ۷۰ بر رابطه میان ارتباطات و فرهنگ صحه می‌گذارد، مع الوصف عوامل تکنولوژیکی، اقتصادی و سیاسی را کانون اهداف قرار می‌دهد. آیا شبکه‌های اطلاعاتی جدید که در حال حاضر ایجاد شده است، بر اتخاذ تفکر عقل‌گرایی نوین که به واسطه آن مسایل اجتماعی به عنوان مسایل فنی تلقی می‌شود و متخصصین جایگزین آحاد مردم شده‌اند، تأثیر گذارده است؟ آیا تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید، تصمیم‌گیری تمرکزگرایانه‌تر و انشعابات اجتماعی را تشویق می‌کند و فردگرایی خشن را جایگزین مفهوم زندگی اجتماعی می‌کند؟ آیا جامعه اطلاعاتی در مورد موقعیتی هست که تغییرات کیفی در اشکال سنتی ارتباطات ایجاد کند و ساختارهای اجتماعی را تغییر دهد و آیا این ساختارهای جدید به نوبه خود نیاز به اصول جدید اخلاقی هدایتگر دارد؟ سؤال اصلی در عصر جدید ارتباطات و فرهنگ این است که چه کسی کنترل‌کننده توزیع اطلاعات است و این برای چه قصد و هدفی صورت می‌گیرد؟ این اخلاقیات و شکل و اسلوب ارتباطات، نه جنبه‌های فنی و ابزاری بلکه با تأکید بر تعاملات انسانی و سیستم‌های اخلاقی است که تعیین‌کننده میزان دستاوردهای هر نظم نوین نوظهور خواهد بود.

ارتباطات، محیط است و تغییرات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به دنبال روند تکنولوژی اطلاعات، ایجاد می‌شود. تفاوت میان ایدئولوژی‌های غربی و اسلامی با اصطلاح «بوم‌شناسی ارتباطات» و محیط‌های نمادین اطراف ارتباطات انسانی و تکنولوژیکی بهتر درک می‌شود. در واقع مطالعه ساختارهای اقتصادی، جغرافیایی و نظامی در دوران پس از جنگ سرد، باید به دنبال مطالعه و بررسی ارتباطات به عنوان بوم‌شناسی صورت گیرد. کشورهای اسلامی نمی‌توانند بدون استقلال فرهنگی، آزادی سیاسی واقعی تحصیل نمایند.